

تاریخ و تمدن ایران در وه صفویان

دانشگاه فرهنگیان
رشته آموزش تاریخ

نهاد وقف در عصر صفوی

اسفند 1399

مقدمه

سنت حسنه وقف یکی از مصادیق بارز رفتار مدنی در مشارکت جویی مالی و معنوی مردم است که ظهور آن به قبل از اسلام در بین ملل مختلف از جمله ایرانیان برمی-گردد که با ظهور اسلام مانند بسیاری از سنت‌های حسنه مورد تایید و تاکید اسلام قرار گرفت. وقف نهادی بسیار مؤثر در تاریخ اقتصاد ایران و در ساخت اقتصادی نهاد دینی است. دین مبین اسلام، جایگاه شایسته‌ای برای وقف در نظر گرفت و ارزش ویژه‌ای بدان بخشید. که سبب گسترش فرهنگ وقف، گرایش مسلمانان به آن و افزایش روزافزون شمار موقوفات گردید (شهابی، ۱۳۴۳: ۵).

مقدمه

• در این دوره، افزون بر شاهان، زنان و دختران صفوی، درباریان، صاحبان املاک خصوصی نیز به پیروی از بزرگان به وقف املاک خود تشویق شدند و در این زمینه، با یکدیگر به رقابت پرداختند. علت گسترش موقوفات در عصر صفویان، زمینه‌ای بود که دین اسلام و مذهب شیعه فراهم کرده بود وقف املاک نیز مانع از غصب اموال آن‌ها می‌شد. در این عصر، ساختار اداری گسترده‌ای برای اداره موقوفات ایجاد شد و در زمینه‌های مصرفی موقوفات و ساختمان‌های وقفی نیز تحول پدید آمد (شهابی، 1343، 6 - 7). مهمترین دوره رونق و شکوفایی سنت وقف در تاریخ ایران مربوط به دوره صفوی می‌باشد علاقه زمامداران این سلسله به وقف اموال در جهت رونق و آبادانی بقاع متبرکه شیعه و ماهیت دینی حکومت ایشان از دلایل عمده آن بوده است.

معنای لغوی و اصطلاحی وقف

- وقف در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۴، ۲۰۵۳۵) و در اصطلاح فقهی، نگهداشتن و حبس کردن عین ملک است و مصرف کردن منافع آن در راه خدا. مرحوم محقق حلی در شرایع می‌نویسد: «وقف عقدی است که ثمره آن حبس اصل و تسبیل منافع است» (حلی، ۱۳۶۹، ۱، ۳۴۳). برخی ریشه‌ی این تعریف را در حدیث از پیامبر می‌دانند که فرمودند اصل مال را نگهدارید منافع آن را جاری سازید (نجفی، بی‌تا: ۲/۲۸). مؤلف کتاب «الروضه البهیه فی شرح اللعمه الدمشقیه» می‌نویسد: وقف حبس کردن اصل مال است. یعنی در واقع قرارداد دادن مال در حالتی که تصرف در آن شرعاً جایز نباشد (زین‌الدین، ۱۶۳).

پیشینه‌ی وقف جوامع انسانی

- میل به جاودانگی و نیکوکاری در سرشت بشر به صورت خدادادی نهفته است و انسان همواره برای جاودانگی و نیکوکاری کوشیده است. یکی از اموری که تا حدودی پاسخ‌گوی این دو تمایل درونی انسان است، یادگاری ماندگار و صدقه‌ای جاوید به نام «وقف» است که ریشه در گذشته‌های دور و در تمدن‌های کهن دارد. براساس روایات تاریخی، در بیشتر ادیان، کارهای نیکی شبیه وقف وجود داشته است. البته دارای احکام، قوانین و اسامی مختلفی بوده‌اند. از وقتی که انسان‌های اولیه برای رویارویی با آسیب‌های طبیعی، مکان‌های ساده عمومی ساختند، می‌توان گفت بنای نوعی خیرات و صدقات و وقف به شکل ابتدایی نهاده شد. آن گاه که فرد یا افرادی در مسیر راهی، سایه‌بان ساده‌ای را بنا کردند تا خود و دیگران لحظه‌ای زیر آن بیاسایند یا پلی برای گذر عمومی یا محلی برای عبادت ساختند یا به جاری ساختن چشمه‌ای برای استفاده عمومی همت گماشتند، ساده‌گونه‌ای از وقف در زندگی اجتماعی انسان پدید آمد (شیبانی، ۱۳۸۰ : ۹). موقوفات و اماکن مقدس مذهبی و یا ارزشمند در تمام جوامع برای تمام ادیان الهی و غیر الهی وجود داشته است

پیشینه‌ی وقف جوامع انسانی

- وقف در میان اقوام آریایی به ویژه ایرانیان، از دوران باستان رواج داشته است. آنان به پیروی از آموزه‌های دینی خود، به کارهای نیک و آبادانی بناها و دستگیری از درماندگان و بینوایان توجه داشتند و موقوفات و نذرهایی در امور خیریه همچون تأسیس مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها، نگهداری معبد‌ها، آتشکده‌ها و صومعه‌ها برای اسقف‌ها و کاهنان از خود بر جای گذاشته‌اند. آنچه روشن است اینکه کارهای نیک گذشتگان، پیش از اسلام، وقف نامیده نمی‌شد و تنها از برخی جنبه‌ها به وقف اسلامی شباهت دارد (شهابی، ۱۳۴۳: ۲). در ایران نیز از دوران باستان سنت وقف جاری بوده است، «اشوداد» به معنای در راه دین بخشیدن بود. در اوستا به داد و دهش توصیه شده بود. روحانیون زرتشتی از طریق وقف درآمد سرشاری نصیبشان می‌شد، تا جایی که یکی از راه‌های مهم اقتدار روحانیون زرتشتی «اخذ جرایم دین، عشریه و صدقات» (وقف) بوده است (کریستن سن، ۱۳۶۴: ۱۳۸).

پیشینه‌ی وقف جوامع انسانی

- وقف در میان اقوام آریایی به ویژه ایرانیان، از دوران باستان رواج داشته است. آنان به پیروی از آموزه‌های دینی خود، به کارهای نیک و آبادانی بناها و دستگیری از درماندگان و بینوایان توجه داشتند و موقوفات و نذرهایی در امور خیریه همچون تأسیس مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها، نگهداری معبد‌ها، آتشکده‌ها و صومعه‌ها برای اسقف‌ها و کاهنان از خود بر جای گذاشته‌اند. آنچه روشن است اینکه کارهای نیک گذشتگان، پیش از اسلام، وقف نامیده نمی‌شد و تنها از برخی جنبه‌ها به وقف اسلامی شباهت دارد (شهابی، ۱۳۴۳: ۲). در ایران نیز از دوران باستان سنت وقف جاری بوده است، «اشوداد» به معنای در راه دین بخشیدن بود. در اوستا به داد و دهش توصیه شده بود. روحانیون زرتشتی از طریق وقف درآمد سرشاری نصیبشان می‌شد، تا جایی که یکی از راه‌های مهم اقتدار روحانیون زرتشتی «اخذ جرایم دین، عشریه و صدقات» (وقف) بوده است (کریستن سن، ۱۳۶۴: ۱۳۸).

جایگاه وقف در اسلام

- وقف یک نهاد امضائی در دین اسلام محسوب می‌شود و در قرآن کریم مستقیماً به امر وقف اشاره نشده است بلکه در آیات متعدد از صدقه، احسان، انفاق، قرض-الحسنه به عنوان امر خیر یاد شده است، در آیه ۷۶ سوره مریم از نیکی‌هایی یاد شده است که نزد خداوند محبوب‌تراند و آن نیکی‌های ماندگار می‌باشد: و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید، و نیکی‌های ماندگار، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش فرجام‌تر است. در سوره آل عمران آیه ۹۲ می‌فرماید: هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید؛ و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست.

جایگاه وقف در اسلام

- از پیامبر اکرم(ص) روایت است: هرگاه مؤمن بمیرد، عمل او به جز سه مورد قطع می‌شود: صدقه جاریه(وقف) یا علمی که از آن سود برده می‌شود یا فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند(مجلسی، 1362، 2، 22؛ نوری طبرسی، 1407، 12، 230). صدقات در اسلام دو دسته‌اند صدقات واجب و مستحب. یکی از مطلوب‌ترین صدقات مستحبی، وقف است که در مقایسه با دیگر صدقات از ویژگی جاریه بودن و استمرار داشتن پاداش برای وقف کننده برخوردار است. بنا بر آموزه‌های قرآنی و سیره اهل بیت(ع) صدقات از جمله وقف، توشه آخرت را فزونی می‌بخشد و خشنودی خداوند را در پی دارد.

جایگاه وقف در اسلام

- از بدو ظهور اسلام و توسط پیامبر(ص) اموالی به ساخت مسجد اختصاص یافت. گزارش‌های زیادی در منابع تاریخ اسلام هست که گویای وقف اموال برای احداث یا اداره‌ی مساجد مثل مسجد نبوی یا مسجد الحرام هست. همچنین موقوفاتی برای خدمات رسانی به زائران حج از جمله افرادی که در مسیر مکه چاه‌های آب حفر می‌کردند و یا مطبخ برای زوار وقف می‌کردند وجود دارد. با ظهور اسلام چنین کارهای نیکی، وقف‌نام گرفت و از جامعیت، احکام و اعتبار ویژه‌ای برخوردار شد. شرط اصلی آن در دیدگاه اسلام جنبه الهی آن است.

جایگاه وقف در اسلام

• به طور کلی وقف در اسلام و جامعه اسلامی از جنبه‌های گوناگون فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، هنری و مذهبی اهمیت بسیاری دارد. موقوفات اسلامی مانند: مسجدها، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و مدرسه‌های دینی بانمای زیبایشان، مظهر پاسداشت شعایر الهی‌اند؛ شعایی که ما در قرآن کریم و سنت نبوی به بزرگداشت آنها سفارش و تشویق شده‌ایم. «هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت، این امر از پاکی دل‌هاست» (قرآن، ۲۲، ۳۲). آثار معنوی وقف مانند: خشنودی خداوند، برکت در مال، عاقبت به خیری، برخورداری از دعای خیر دیگران و جاوید ماندن نام بهره‌مند شود. این در حالی است که وقف، در تحقق عدالت اجتماعی، شکوفایی اقتصادی و فقرزدایی از جامعه نقش بسزایی دارد.

انواع وقف در اسلام

- وقف خاص که مصارف آن مخصوص دسته و طبقه معینی باشد
- وقف عام که مصارف آن مخصوص دسته و طبقه معین نباشد مانند وقت در مساجد
- وقف ذُری که واقف مال را وقف فرزندان خود کند این وقت به غلامی معروف بوده است اهل سنت این نوع را جایز نمی‌دانستند (سلیمی‌فر، ۴۷:)

سابقه نهاد وقف در تمدن اسلامی

- دیوان اوقاف در تمام دوران اسلامی وجود داشته است که به دلیل حساسیت از چگونگی هزینه عواید آن از سوی متولیان وقف به ویژه نوع اولادی که ترفندی برای حفظ اموال و درآمد خانواده واقف محسوب می شد حکومت مرکزی بر آن نظارت می کرد. در دوره اسلامی نیز ابتدا دیوانی موسوم به «دیوان البر و الصدقات» متعهد رسیدگی به امور اوقاف بود به تدریج اداره امور اوقاف مستقل گشت و دیوانی تحت عنوان «دیوان اوقاف» برای آن تاسیس شد. ظاهراً دیوان اوقاف نخستین بار در دولت فاطمی مصر و به نام «دیوان الاحباس» پدید آمد که به کار اوقاف خاصه، مربوط به موقوفات سلاطین و پادشاهان و عامه، مردم معمولی رسیدگی می کرد.

سابقه نهاد وقف در تمدن اسلامی

- بخشی از موقوفات صرف بیمارستان سازی، اداره‌ی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، تأمین هزینه‌های پزشکی و طبابت شده است. بیمارستان عضدالدوله بویه‌ی در بغداد بسیار بزرگ و دارای امکانات فراوان بود که در سده چهارم به طریق وقفی ساخته شد. نخستین نظام اداری وقف در نیمه دوم قرن چهارم هجری در دوره سامانیان با عنوان دیوان اوقاف به وجود آمد. در دوره سلجوقیان وقف گسترش بسیاری یافت و موقوفه‌های زیادی به وجود آمد به ویژه در دوره سلطنت آلبارسلان و ملک‌شاه، خواجه نظام‌الملک وزیر معروف موقوفات زیادی به خصوص برای احداث مدارس نظامیه به وجود آورد. همچنین نا امنی‌های اجتماعی از عوامل موثر دیگر در گسترش وقف کردن املاک در این دوره بود (سلیمی‌فر، ۷۶-۷). با این همه حاکمان اواخر سلجوقیان هرگاه می‌خواستند وقفنامه‌ها را در آب شسته و موقوفات را به نفع دیوان ضبط می‌کردند.

سابقه نهاد وقف در تمدن اسلامی

- در دوره مغولان بسیاری از اراضی وقفی مصادره شد و در حالی که اراضی وقفی قابل مصادره نبود، بارها این کار تکرار شد با این حال مالکان می‌توانستند با تبدیل املاکشان به املاک وقفی و متولی شدن خود از حیطه نظارت و کنترل دولت و حکومت خارج شوند (برت فراگنر، : ۲۳۶).
- در دوره غازان خان تشکیلات اوقاف دایره‌ای وسیع به نام حکومت اوقاف در بین سازمان‌های دولتی نمودار شد و تحت نظارت مستقیم قاضی‌القضات قرار گرفت که معمولاً رئیس اوقاف هم می‌نامیدند از بین روحانیون و با حکم سلطان انتخاب می‌شد و وظیفه این دیوان نظارت بر وقف‌نامه‌ها و اسناد مربوط به آن و حل و فصل دعاوی و شکایات مربوطه و کارگزاران آن شامل نواب حاکم اوقاف، متولیان، متصرفان، مباشران و ناظران بودند (شیرین بیانی، : ۵۴۵ / ۲).

سیر تحول وقف در بین صفویه را می‌توان به پنج دوره تقسیم‌بندی نمود.

- دوره‌ی اول: قبل از تشکیل حکومت صفویان
- دوره‌ی دوم: وقف در دوره پیدایی و استقرار از شاه اسماعیل تا شاه عباس
- دوره‌ی سوم: دوره شکوفایی نهاد وقف در دوره شاه عباس
- دوره‌ی چهارم: بعد از شاه عباس تا پایان حکومت شاه سلطان حسین
- دوره‌ی پنجم: دوره آشفتگی نهاد وقف پس از سقوط اصفهان توسط افغان‌ها

موقوفات صفویان قبل از قدرت‌یابی

- صفویان خود تا قبل از قدرت‌یابی بخش عمده‌ای از اقتدار مالی و نفوذ سیاسی و اجتماعی خود را از طریق موقوفات بسیاری که وقف خانقاه اردبیل می‌شد به دست آورده بودند. از نمونه‌های مهم موقوفات در قبل از صفویان می‌توان از موقوفات رشیدی و غازانی و علیشاهی در آذربایجان یاد کرد (صفگل، : ۳۲۱).

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- پس از روی کار آمدن صفویان نیز پادشاهان صفوی خود موقوفاتی را در خانقای اردبیل وقف کردند و از واقفان عمده شدند و این پادشاه بود که متولی این خانقاها را تعیین می‌کرد. دوره صفویه یکی از دوره‌های شکوفایی وقف با رنگ و شکل شیعی در ایران است. وقتی که تشیع در کشور آیین رسمی اعلام شد دایره حکومت نیز متمرکزتر و قوی‌تر گشت و آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی در کشور ایجاد شد، در این دوره مهاجرت شیعیان به ایران شکل گرفت و همچنین سنی‌های ایران به کشورهای دیگر مهاجرت نمودند، این عامل تمرکز مذهبی بیشتری در کشور ایجاد نمود، حضور علمای جبل عامل در اداره کشور و این که شاهان صفوی دست آن‌ها را در اداره امور باز گذاشتند. صفویان قبل از تشکیل حکومت به واسطه صوفی‌گری در میان مردم از نفوذ بالایی برخوردار بودند اما بعد از تشکیل حکومت همین صوفی‌گری از عوامل تضعیف‌شان گشته بود بدین علل آنها مجبور بودند تا این فرقه را از میان بردارند.

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- مهمترین سیاستی که صفویان برای رسیدن به اهدافشان در پیش گرفته بودند به کارگیری عالمان دینی بود، جهت پیشرفت و توسعه حکومت صفویان بهره می‌گرفتند. در واقع با ایجاد دولت متمرکز صفوی با مذهب شیعه شور و هیجانی در میان خاندان صفوی و هواداران آنها برپا گشت، شرایط برای رشد و توسعه مهیا شد، به کارگیری عالمان در رشد و توسعه مذهب و فرهنگ‌های دینی و بهره‌گیری از این فرهنگ‌ها جهت توسعه داخلی و خارجی بسیار موثر بوده است، در این دوره با مطالعه وقف‌نامه‌ها شاهد وقف‌هایی با جهت‌های مذهبی از جمله وقف برای روضه خوانی حضرت سیدالشهداء، جهت پرورش طلاب علوم دینی با مذهب شیعه، جهت ترویج مذهب شیعه، از موقوفاتی می‌باشند که دارای گستردگی بالایی بودند و هزینه بسیار بالایی را نیز می‌طلبیدند که فقط از توان اقشار پردرآمد جامعه برمی‌آمد تا چنین نیت‌های پرخرجی را به اجرا درآورند.

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- به طوری که در دوره صفوی در پایتختشان (اصفهان) رقبه‌ای که وقف نباشد یافت نمی‌شد. وقف در این دوره به مثابه یک فرهنگ زمینه‌ای در آمده و رونق و رواج فراوانی یافت و علاوه بر مردم عادی و متمولین، شاهان صفوی نیز اموال فراوانی را به جرگه موقوفات افزودند. در این دوران ماهیت مذهبی سلسله صفویه و تعصب آن‌ها برای مبارزه با دولت عثمانی و به کارگیری علماء دین در مناصب کلیدی دولت سبب تحول و تنوع در مصارف موقوفات گشت. در واقع دوره صفوی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ وقف ایران دانست. گسترش نهاد وقف و اهمیت آن به اندازه‌ای بود، که کمپفر شناخت درست وضع دربار ایران را به شناخت آن موکول کرده است. وی در این باره می‌نویسد «شناخت درست دربار ایران بدون وقوف به تاسیساتی که قسمت قابل توجهی از عواید دربار صرف آن می‌شود یعنی مساجد، گرمابه، قنوات شوارع عام و پل‌ها و بیش از همه مدارس دینی و همچنین نمایندگان علوم و هنر امکان ندارد» (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۳۹).

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- نهاد وقف برای اولین بار در ایران در زمان صفویان به شکل نظام مذهبی با ویژگی‌های، تعمیم اجتماعی فرهنگ وقف در لایه‌های مختلف جامعه، تلاش فقهای شیعه برای نظام‌مندسازی وقف بر اساس فقه شیعه، ازدیاد رقبات وقفی در سراسر کشور شکل گرفت. تشکیل حکومت صفویه با سیاست ایجاد اقتدار و تمرکزگرایی از یک سو و انتخاب مذهب شیعه به عنوان پوشش اندیشه‌ای حکومت از سوی دیگر، موجب استقرار و استواری تدریجی ساختار دینی هم پای ساختار سیاسی گردید.

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- نکته مهم دیگر آنست که نهاد دینی در دوره صفوی تا حد زیادی ابداع این دولت و نتیجه سیاست‌های مذهبی آن بود. نهاد دینی برای استمرار وجود خود و فعالیت‌هایش نیازمند به پشتیبانی همه جانبه معنوی و مادی صفوی داشت. این حمایت به ویژه از نظر اقتصادی و در اختیار نهادن منابع برای ادامه فعالیت نهاد و ساختار دینی صفویه ضروری به نظر می‌رسد. براین مبنا بود که دولت صفویه ضمن برقراری «موجب» و «وظیفه» به صورت پرداخت نقدی و غیر نقدی برای اعضای ساختار دیوانی دینی، درآمد موقوفات را نیز برای آنان قرار داد. در واقع حکومت صفویه نیر خیلی سریع به اهمیت مشارکتهای نهاد دینی پی برد و با درک ضرورت درصد تأسیس و فعال سازی موسسات وابسته به ساختار دینی برآمد.

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- از وضعیت و چگونگی موقوفات در زمان شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۱۳ ق) اطلاعات چندانی در دست نیست. اما پس از فتح عراق شاه اسماعیل برخی از املاک نواحی عراق عرب را به اماکن متبرکه اختصاص داد همچنین دستور حفر نهر نسبتاً بزرگ از فرات به نجف اشرف را داد که منجر به رونق آن گردید (خورشاه بن قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۳۶۰؛ حسن بیگ روملو، ۱۳۵۷: ۲/ ۱۰۳۲). بازسازی بقعه هارون ولایت و بنای مسجد علی در اصفهان (لطفاله هنرفر، ۱-۳۶۰؛ ۴-۳۷۲). احداث دارالعلمهایی در شهرهای اصفهان، شیراز و دیگر ایالات برای تدریس علوم دینی و تامین هزینه آنها از موقوفات به فرمان شاه اسماعیل بود (خورشاه بن قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۹-۲۷).

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- علاوه بر شاه برخی از خاندان شاهی در حوزه وقف اقداماتی انجام دادند از جمله همسر شاه اسماعیل اول، تاجلو بیگم گنبد حرم حضرت معصومه را بازسازی نمود و برای تامین هزینه این کار چند روستا برای وقف نمود از دیگر اقدامات این زن نیکو توجه به سادات تنگدست بود و برای این منظور محصول روستای حسن آباد ورامین اختصاص داد (تاجبخش، ۱۳۷۳: ۷۳). بازسازی پل دختر، پلی بود بر روی رودخانه قزل اوزون بین زنجان و میانه بود و بنای عمارت گنبد عالی در اردبیل معروف به جنت سرا توجه به سادات تنگدست بود. همچنین دختر شاه اسماعیل به نام شاهزاده سلطانم که فردی تحصیل کرده‌ای بود املاکی در مناطق مختلف کشور از جمله در شیروان ارسباران، تبریز، قزوین، ساوج بلاغ، شهریار، اصفهان، گرمرود، استرabad مالک بود آنها را وقف چهارده معصوم (ع) نمود و تولیتشان را به شاه اسماعیل اول و پس از وی به شاه زمان واگذار گردید و عایدات اینها صرف سادات فاطمی ذکور و اونات که سیورغال و شوهر نداشتند، شود. در کنار شاه و خانواده شاهی از جانب درباریان و دیگر گروه‌ها جامعه در حوزه وقف فعالیت می‌کردند و در منابع وقف نامه‌هایی موجود است (ستوده، ۱۳۵۵: ۱۲۰-۱۱۷).

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- دوره نسبتاً طولانی پادشاهی شاه طهماسب دوره‌ی تثبیت حکومت صفوی محسوب می‌گردد و با توجه به ویژه‌گی‌های شخصیتی وی توجه خاصی به نهاد وقف می‌شد به طوری در این دوره شاه خود از واقفان بزرگان بود و زنان و فرزندان ایشان در کار وقف فعال بودند به طوری که موقوفاتی فراوانی را به صورت مدرسه، رباط، پل، مسجد، حمام، اشیاء تزئینی برای اماکن مقدسه وقف کردند.
- در دوره پادشاهی شاه عباس اول (۱۰۰۰ هـ ق) با انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان و با وضعیت سنی مذهبی افراطی شهر اصفهان و اطراف آن و درگیری‌های دائم با عثمانی‌ها تدبیر دولت صفوی، گسترش وقف بود.

وقف در دوره حاکمیت صفویه

- ۱. توسعه شهرسازی و آبادانی در کشور با توسعه موقوفات.
- ۲. تثبیت تشیع در اصفهان و ایران با نیت مربوط به حرم (ص)، شیعیان امیرالمؤمنین (ع) و سادات بنی فاطمه (ع) به شرط شیعه بودن.
- ۳. به کارگماردن افرادی برای مخارج و نگهداری موقوفات (مستوفی موقوفات)

ویژگی‌های و آثار مهم تمدن و فرهنگ دوره صفویه (شاه عباس اول)

- همه کاخ‌ها و باغ‌های پادشاه واقع در خیابان سلطنتی اصفهان وقف و نذر چهارده معصوم می‌باشد و چهارده معصوم حضرت رسول، دخترش فاطمه، دامادش علی، و جانشینانش تا امام مهدی می‌باشند. دیوانی که درآمدهای حاصل از موقوفات را جمع‌آوری و حسابرسی می‌کند دفتر موقوفات نام دارد که از کلمه وقف به معنی هدیه و بخشی که به اماکن مقدس و امور خیریه می‌شود گرفته شده است؛ و نیز چنانکه یاد کرده‌ام جمله امور موقوفات زیر نظر صدر اداره می‌شود. به سخن دیگر رئیس موقوفات هم اوست (شاردن، ۱۳۷۲، ۴، ۱۳۴۲).

ویژگی‌های و آثار مهم تمدن و فرهنگ دوره صفویه (شاه عباس اول)

- توسعه و ساخت مساجد و تکایا در اقصا نقاط کشور توسط دولت‌های صفوی نقش مؤثری در احیاء فرهنگ وقف در ایران داشته است. احداث مدارس علوم دینی، با توجه به نفوذ اسلام در خصوص قلمرو بزرگ ایران، لزوم آموزش و فراگیری علوم و احکام اسلامی ضروری بود. مراکز آموزشی پس از تأسیس برای تعلیم و دیگر امور فرهنگی نیاز به پشتوانه‌های مالی داشت. یکی از اقدامات سودمند صفویان به خدمت گرفتن وقف برای امور فرهنگی بود. با این تدبیر فرهنگ عمومی توسعه و علوم مختلف و فرهنگ دینی تعمیم یافت.
- - مدرسه الماسیه - جنوب شرقی میدان امام اصفهان

ویژگی‌های و آثار مهم تمدن و فرهنگ ...

- - مدرسه جده بزرگ - بازار اصفهان
- - مدرسه چهار باغ - چهار باغ عباسی اصفهان
- - مدرسه شفیعیه در دشت - محله دردشت اصفهان
- - مدرسه کاسه گران - بازار اصفهان
- - مدرسه بالاسر - بالاسر بارگاه حضرت رضا علیه السلام
- - مدرسه پری زاد - مجاور مسجد گوهر شاد - دارالولایه (دوره ی تیموریان)
- - ۱۰ مدرسه در اطراف مشهد - طلاب و خدام
- - مدرسه باقریه - خیابان آیت الله شیرازی (فریزر سیاح انگلیسی در سال ۱۲۴۰ ه.ق. این مدرسه با ۹۰ طلبه را به عنوان مدرسه ای نظام مند یاد می‌کند.)

ویژگی‌های و آثار مهم تمدن و فرهنگ ...

- - مدرسه خان - در قسمتی از دانشگاه علوم رضوی قرار دارد.
- - مدرسه نواب - اوایل بالا خیابان (نادری) با موقوفات بسیار زیاد قرار دارد.
- - ظهیریه تبریز: توسط محمد ابراهیم ظهیریه الدوله - وزیر شاه سلیمان ۱۰۹۰ ه.ق.
- - وقفنامه کتابهای مدرسه چهار باغ اصفهان
- - استنساخ کتب از محل درآمد موقوفات

اوج رواج تفکر مذهب شیعه

- دوره صفویه که اوج رواج تفکر مذهب شیعه در سرتاسر ایران بوده است را باید نقطه عطفی در فرهنگ وقف و اوج اعتلای آن دانست. در این زمان چنان فرهنگ وقف در میان مردم رایج یافت که دیگر وقف مختص مالکان بزرگ و ثروتمندان نبود بلکه بسیاری از مردم با هر توان مالی در این امر خیر مشارکت می کردند. در اواخر دوران صفویه و عصر حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ه . ق) کلیه اراضی و املاکی که شرعاً ممکن بود وقف شود، جزو موقوفات قرار گرفته بود، از آنها به عنوان پشتوانه مالی برای مدارس و مساجد اصفهان و شهرهای دیگر، مانند کاشان و یزد و ... زمین و یا سایر مستغلات خریداری می شد و آنها را جزو موقوفاتشان قرار دهند. (تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۳۹).

ارکان وقف

- - واقف: کسی که جهت تأمین نیاز جامعه مالی را وقف می کند.
- - موقوفه: مالی یا توان بهره دهی (لا وقف فی ملک).
- - موقوف علیهم: بهره‌مندان از منافع مال وقف شده.
- - متولی: اداره کننده موقوفه که منافع آن را به حداکثر برساند.

استقلال وقف

- - واقف پس از وقف اموال خود نسبت به موقوفه بیگانه می شود.
- - ملاک در حاکمیت قاضی (حاکم شرع) بر موقوفات استقلال آن است.
- - گسترش استقلال مالی جامعه دینی.

آسیب‌های موقوفات دوران صفوی

- - قوانین و نظام حقوقی کارآمدی وجود نداشت.
- - وقف جزئی از دولت بود و ایده وقف دولتی سیطره داشت.
- - دولت در پی متمرکز کردن وقف برای مدیریت کشور بود.
- - نظارت بر وقف توسط تشکلهای مردمی نبود.

اعطای معافیت از مالیات

• :

• در برخی از دوره‌ها، املاک وقفی از پرداخت مالیات معاف بودند. هربرت بوسه به فرمان‌هایی مربوط به اعطای وظیفه موقوفات به روحانیان اشاره می‌کند (فوران، جان، **مقاومت شکننده تاریخ تحولات ایران**) در سندی که به سال ۹۴۸ قمری بازمی‌گردد، به فرمان معافیت مالیات برای موقوفات املاک حرم حضرت معصومه (س) صریحاً تأکید شده است. در این دسته از املاک معاف از مالیات، املاک متولیان که تعدادی از آن‌ها از سادات قم بوده‌اند و یا افرادی که به نحوی وظایفی در این مکان‌های مقدس داشته‌اند، شامل معافیت مالیاتی می‌شدند.

اعطای معافیت از مالیات

- در دوران صفویه در کشور ثبات سیاسی پدید آمد که زمینه‌ای مناسب توسعه و گسترش بسیاری از نهادهای اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرد که بدون آن تصور گسترش وقف محال به نظر می‌رسد. در سایه امنیت و آسایش بود که اقتصاد رونق یافت، تجارت فعال شد و هنر و معماری شکوفا گشت و در نهایت در سایه همین آرامش بود که فرصتی برای امور فرهنگی و از جمله وقف اموال برای اشاعه آیین تشیع حاصل آمد. این مدعا با نگاهی به وقف‌نامه‌ها و تاریخ تراکم موقوفات به آسانی ثابت می‌شود. از لحاظ زمانی هر چه از دوره اولیه صفوی، که زمان کشورگشایی‌ها و درگیری با همسایگان و یاغیان داخلی است، فاصله می‌گیریم، بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود و در نهایت تراکم عمده وقف را در سال‌های پس از ۱۰۰۰ ق که دوران تحکیم و تثبیت است شاهد هستیم. وقف در فرهنگ ایرانی - اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. جوامع مختلف با وجود اعتقادات مذهبی، با انواعی از تصرفات مالی آشنا بودند که از جهت مفهوم دور از حدود معنای وقف اسلامی نبود. با برآمدن اسلام و توصیه‌های قرآن و سنت پیامبر(ص) ائمه(ع) این سنت حسنه، منشاء تأسی حاکمان شیعی صفویه از این معقوله شد.

وقف املاك در عهد صفويه

- کاروانسراهای مجهز که در وسط بیابان‌ها و در شاهراه‌های ایران بود یکی از عوامل تحرک و جنبش امور تجاری و حمل و نقل و ارتباط مردم شهرهای مختلف به شمار می‌رفت و جهانگردانی امثال (شاردن، مادام دیولافوا) که گذرشان به این کاروانسراه افتاده از نزدیک پی به ماهیت و ارزش آن‌ها برده و هر یک در این باره شرحی نوشته‌اند (شاردن، ۷، ۹۶؛ دیولافوا، ۱۳۹۰، ۳۶).

- افراد خیر و متدین ساختن کاروانسرا را بر سر راه‌ها، مقدم بر همه خیرات و مبرات می‌شمارند. در این کاروانسراها کاروانیان رایگان فرود می‌آیند و می‌آسایند. در مرتبه دوم گرمابه، قهوه‌خانه، بازار و باغ می‌سازند، پس آن گاه مدرسه بر پا می‌کنند، و اجاره قهوه‌خانه و بازار و باغ را وقف مدرسه می‌کنند. بانیان این آثار خیر تا زنده‌اند معمولاً خود مسؤول جمع‌آوری و تقسیم عایدات و حفاظت آنها می‌باشند.

- ایرانیان این مسؤولان را متولی می‌نامند. انتخاب مدیر و مدرّسان مدرسه به عهده متولی، و واگذاری حجره به طلاب از جمله وظایف مدیر مدرسه است. پس از فوت بانی، مدرسه و متعلّقات آن به جانشینی که وی انتخاب کرده و سمت متولی می‌یابد واگذار می‌شود، و اگر اتفاق را به سببی کلیه دارایی بانی خیرات به نفع پادشاه مصادره شد، صدر که بزرگ‌ترین مقام روحانیت است امور مدرسه را اداره و بر آن نظارت می‌کند. این نکته نیز گفتنی است که وقف کنندگان هر بنا پس از این که بنایی یا چیزی را وقف کردند دیگر مالک آن نیستند و عایدات هر موقوفه به مصارف پیش بینی شده می‌رسد.

• اصفهان پنجاه و هفت مدرسه طلبه‌نشین دارد که بیشتر آنها از آثار خیریه پادشاهان می‌باشد و مدیر و مدرسان آنها به اراده و میل سلطان وقت معین می‌شوند. نصب مدرس و استاد از طرف شاه با توافق صدر عملی می‌گردد و این در صورتی است که مدرسه از موقوفات شخص شاه باشد در سایر موارد صدر با توافق شخص واقف مدرس را تعیین می‌کند البته هرگاه شخص واقف هنوز در قید حیات باشد حقوق مدرس کاملاً مکفی است و سالانه پرداخته می‌شود. در مدارس که از طرف شاه وقف شده است حقوق مدرس یکصد تومان (۱۷۰۰ تالر) بالغ می‌شود. (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۴۱).

- همه مدارس ایران درآمد دارند (از محل موقوفات یا نذورات و اعانات) و عایدات برخی از مدارس زیاد و در خور توجه است. مدرسه‌های بزرگ افزون بر پنجاه تا شصت بنای مسکونی دارد که هر کدام غالباً مشتمل بر دو اتاق و یک راهروست. (شاردن، ۱۳۷۲، ۳، ۹۳۷).
- شاردن کاروانسراهای اصفهان را در زمان شاه اسماعیل (۱۸۰۰) باب و مساجد را (۱۶۰) و مدارس دینی را (۴۸) و حمام‌ها را (۲۷۳). «شاردن به مساجد و مدارس راه نیافته و تمام را ندیده کم نوشته است ولی کاروانسراها را زیاد» نوشته (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۲۲).
- شاردن در مورد قنات‌های زیر زمینی ایران می‌گوید: به فاصله هشت تا ده فرسنگ آب کوه‌ها را به جلگه و مراکز خشک و بی آب و علف می‌رساند و می‌نویسد: در خراسان فقط چهل و دو هزار کاریز وجود داشته که عمق بعضی به (۷۵) زرع می‌رسیده است (شاردن، ۱۳۷۲، ۴، ۳۰۲).

- برخی علما به صف طبقه‌ی زمین‌داران پیوستند. جدا از زمین‌هایی که در عوض مواجب به صاحب منصبان تخصیص داده شد (تیول)، قسمت عمده اراضی را وقف تشکیل می‌داد. شاه عباس اول در (۱۶۰۷م - ۶-۱۵۱۰ه ق) تمامی املاک و اموال شخصی خود را وقف چهارده معصوم کرد و تولیت آن را خود برعهده گرفت و بعد از خود نیز به جانشینان واگذار کرد (شاردن، ۱۳۴۵، ۸، ۱۶۳).

- همچنین گرمابه و قهوه‌خانه می‌سازند تا آنها را هم به اجاره واگذار کنند. پس از اتمام این‌ها به ساختن کاروانسرا آغاز می‌نمایند، وگاهی به جای این‌که آن را به اجاره دهند وقف عام می‌کنند. پس از پایان یافتن همه این کارها به ساختن مسجدی کوچک می‌پردازند تا خدا همه مستغلات آنان را از هر بلا و آفت مصون بدارد، و همواره لطف پروردگار شامل حالشان باشد.

- نوعی دیگر از موقوفات وجود دارد که ارثی است و سیورغال نامیده می‌شود. این گونه موقوفات غالباً در اختیار خانواده‌های روحانی است. نسللاً به نسل به آنها منتقل شده، و پس از ایشان به اخلافشان انتقال می‌یابد، و آن مشتمل بر موقوفاتی است که طبق شرایط و ضوابطی خاص حق بهره‌برداری از عواید آن از پدر به پسر تعلّق می‌گیرد. سیورغال زمانی از خانواده دارنده آن انتزاع می‌یابد که در آن خانواده افراد شایسته‌ای برای تصدی آن وجود نداشته باشد، یا مایل باشند سیورغال بدون واسطه به دست روحانیان اداره شود. گفتنی است که سیورغال از جمله موقوفات در حساب می‌آید و اگر به جهاتی از یک خانواده به خانواده دیگر انتقال یافت در آن خانواده جنبه توارث می‌یابد (شاردن، ۱۳۷۲، ۴، ۱۳۴۵).

- مقابر یا بقاع متبرکه که از نظر تقدس و طرز ساختمان با مساجد به چشم و هم چشمی پرداخته اند. حالت احترام و تعظیم ایرانیان برای چنین مقبره‌هایی حیرت‌آور است به خصوص آن بناهایی که جسد اعقاب دوازده امام را در آنها دفن کرده‌اند و در نتیجه امامزاده نامیده می‌شوند و مورد توجه خاص قرار دارند (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۳۲).

مصادره اموال:

- یکی از مظاهر استبداد و حکومت فردی مصادره اموال و دارایی مردم بود. شاردن در مورد مصادره اموال و املاک می‌گوید: «هرگونه بی‌مهری شاه به طور حتم با مصادره اموال و ثروت توأم است و این تحول و انتقال ثروت بدبختی شگفت‌آور و هراس‌انگیزی در بردارد. طرف، در یک آن چنان از همه چیز ساقط می‌شود که دیگر مالک هیچ چیز نیست، ثروت و غلام و گاهی حتی زن و فرزندش را نیز از وی می‌ستانند چنان‌که جز یک پیرهن برای تعویض ندارد.» (شاردن، ۱۳۴۵، ۸، ۱۵۷).

• اگر کسی حتی یک روز پیش از این که شاه داراییش را مصادره کند خانه یا دیگر مستغلاتش را وقف کرده باشد شاه نمی‌تواند آنها را تصرف و تملک کند. موقوفات معمولاً مشتمل بر زمین، خانه، مستغلات عمومی مانند دکان، کاروانسرا حمام و امثال اینها می‌باشد، و کلیه مخارج مساجد و امور خیریه از درآمدهای این موقوفات تأمین می‌گردد. این نکته را نیز یادآور شوم که ایرانیان گر چه توجه و وسواس بسیار دارند که بر دارایی خود از راه حلال بیفزایند، اما در عمل غالباً از طریق صواب منحرف می‌شوند. از این رو به جبران لغزشها و خطاها قسمتی از آنچه را از راه ناراستی و نادرستی به دست آورده‌اند وقف مساجد و امور خیریه می‌کنند. شاه عباس بزرگ نیز بر همین نیت آنچه داشت اعم از کاخها، دیگر بناها، حتی اسبان خود را وقف کرد، و برای این که استفاده کردن آنها بر وی حلال و مشروع باشد به ازای هر یک آنها سالانه مبلغی می‌پرداخت. بعد از درگذشت شاه عباس کبیر اصطبل سلطنتی وقف و نذر دوازدهمین و آخرین امامان شد. او پادشاه حقیقی جهانیان است، و سلاطین ایران تا زمان ظهورش به نیابت وی پادشاهی می‌کنند، و آنچه شاه به نام درآمد وقفیاتش می‌پردازد صرف و خرج مسجد بزرگ می‌شود(شاردن، ۱۳۷۲، ۴، ۱۳۴۲).

مدیریت اوقاف در دوره صفویه

• ۱- صدر

• این مقام بنام صدرالصدور و وزیر اوقاف و مستوفی موقوفات هم خوانده می‌شد. صدر که مهمترین مرجع برای تفسیر فقه شیعی است و در رأس روحانیون ایران قرار دارد. قسمت عمده‌ی فعالیت اداری وی وقف آنست که عواید حاصل از موقوفات دینی را به مصرف صحیح خود برساند. او که برتمام مساجد، موقوفات و اماکن متبرکه ریاست فایقه دارد محق است که شهریه و حقوق برای متولیان، کارکنان و خدام، مدرسین، طلاب، وعاظ و روحانیون از هر درجه و مرتبه به تشخیص خود و بر حسب کفایت آنها تعیین کند، بر آن بیفزاید، از آن بکاهد و یا به کلی آن را قطع کند (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۲۲-۱۲۱).

- در زمان سلطنت شاه طهماسب، همواره دو صدر وجود داشت، ولی تفکیک و تقسیم آنها به خاصه و عامه هنوز معمول نبود (شاردن، ۱۳۴۵، ۷، ۴۶). در برخی زمان‌ها از جمله شاه عباس اول و شاه عباس ثانی، عالمان بزرگ و مجتهدین وقت مسئولیت صدر اعظمی شاه را برعهده داشتند به عنوان مثال خلیفه سلطان، عالم دینی و مجتهد وقت که به طور ناپیوسته وزارت سه پادشاه عباس اول، صفی اول و عباس ثانی را بر عهده داشت این گونه بکارگیری‌ها تاثیری شگرف در گسترش موقوفات در دوره صفوی داشت چرا که این عالمان بزرگ هم در شاه و خانواده سلطنتی، امرا و بزرگان لشگری و کشوری، طبقات و اقشار دیگر جامعه تاثیر و نفوذ بالایی داشتند.

• در این دوره تشکیلات مستقلی برای اداره موقوفات زیر نظر صدر به وجود آمد که نمایندگان در همه شهرهای بزرگ به نام وزیر اوقاف داشت و نظارت بر اوقاف بر عهده آنها بود و این توجه موجب گسترش کاروانسراها، رباطها، تکیه‌ها، امامزاده‌ها و آب انبارهای وقفی در این دوره گردید (وقف میراث جاویدان، ۱۳۹۳، شماره ۸۵، ص ۵۸).

• در تذکره الملوک که درباره تشکیلات و سازمان اداری و مشاغل و مناصب دوره صفویه نوشته شده است: در بیان شغل صدارت خاصه و عامه - لازمه منصب مطلق صدارت تعیین حکام شرع و مباشرین اوقاف تفویضی... و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارها و مدارس و مساجد و بقاع الخیر و وزاری اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات... با اوست.» (تذکره الملوک، فصل ۲، باب ۱)

- مقام صدر از مهم‌ترین مقامات مذهبی بوده و در عصر چند تن از پادشاهان صفوی تحولاتی داشته است. برای مثال، در زمان شاه اسماعیل اول یکی، از ارکان‌های دیوانی به حساب می‌آمد. وظیفه اصلی مقام صدر، رسیدگی به درآمدهای مالی و به مصرف رساندن آنها طبق نیات واقفان بود. اداره امور اوقاف در ولایات، با مستوفی مخصوصی بود که «مستوفی موقوفات» نامیده می‌شد. این مقام مسئول که توسط شاه انتخاب می‌گردید، دارای وظایفی از جمله: رسیدگی به حساب رعایا، مستأجران و صدور مفاصا حساب برای آنها بود. استفاده از عواید موقوفه‌ها از نظر مدت زمانی به دو شکل مادام‌العمر یا موقت بود در صورت موقت، معمولاً سالی یک بار از طرف دفتر محاسبات به افراد داده می‌شد. اگر دفتر موقوفات از مستمری‌بگیران ناراضی بود، پس از گرفتن اسناد وقف‌نامه، از دریافت مستمری محروم می‌کردند (عبادی، صادق، ۱۳۸۶).

- صدر در قضاوت کلیه موضوعاتی که با امور معنوی رابطه داشته باشد اختیار تام دارد، همچنین بر همه امور موقوفات و چگونگی عمل ناظران آن نظارت می‌کند و متصدی و مسؤول آنهاست. گفتنی است زمانی که پادشاه امور موقوفات را در اختیار خویش گرفت در آن آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌ها بوجود آمد، زیرا وی به پاداش هدیه‌هایی که به او داده می‌شود، تولیت قسمتی از موقوفات را بر تقدیم کننده هدیه واگذار می‌کرد. شاه عباس ثانی به تدبیر جلو این بذل و بخشش‌های بیجا و آشفتگی‌های حاصل از آن را گرفت، و چون اصولاً با نفوذ و قدرت صدر در امر موقوفات مخالف بود تصمیم کرد این مقام را به طور کلی از میان بردارد. بدین منظور هجده ماه پیش از مرگش صدر را به سمت صدر اعظم دربار خود انتخاب کرد و عملاً مقام وی حذف شد. اما جانشینش امور مربوط به صدر را به دو قسمت جداگانه تقسیم نمود و هر قسمت را به یکی از دو صدر سپرد. صدر خاصه مسؤول اداره امور خالصه دولتی، و صدر عامه مأمور تنظیم کارهای موقوفاتی شد که اشخاص مختلف وقف کرده بودند. این تقسیم مقام مایه کاهش قدرت و نفوذ صدر شد، و گفتنی است که مرتبت و مقام صدر خاصه از آن صدر عامه بسی بالاتر است. و قبل از آن که این مقام به دو شعبه تقسیم گردد متصدی آنرا صدر موقوفات می‌نامیدند (شاردن، ۱۳۷۲، ۴، ۱۳۳۷).

۲- وزیر مخصوصی موقوفات اصفهان

- به دلیل اهمیت و وسعت موقوفات اصفهان، وزیر مخصوصی وجود داشت که معروف به «وزیر فیض آثار» بود که اوقاف محال اصفهان (دهات و زمین‌های موقوفه پادشاهان صفوی) را اداره می‌کرد و اداره خاصی به نام «دفتر موقوفات» وجود داشت که همه مستوفیان، متصدیان، متولیان و مباشران موقوفات، برای حسابرسی و ممیزی به آن دفتر مراجعه می‌کردند. از وظایف فیض آثار، این بود که به فعالیت‌های کشاورزی زمین‌های موقوفه، نظارت کند و در آبادی قنوت، باغ‌ها، آسیاب‌ها و به‌طور کلی مستغلات، مراقبت دائم به عمل آورد تا در جمع‌آوری عواید موقوفات و مصارف آنها طبق شرایط واقف عمل شود. وی در توسعه کشاورزی و آبادانی محال اصفهان اهتمام خاصی مبذول داشت. (عالمزاده، هادی)

• به دلیل اهمیت و گستردگی موقوفات اصفهان، مدیریت آن به شخص مورد اطمینانی محول می‌شد. برای مثال، در زمان سلطنت تهماسب اول، همواره دو روحانی وظیفه اداره موقوفات را در مقام صدر به عهده داشتند. این پادشاه مقام تولیت موقوفات وسیعی را به سیدحسین خاتم‌المجتهدین بخشید. روحانیان در این دوره، به دلیل املاک و مستغلاتی که به واسطه مقام صدارت و تولیت موقوفات کسب کردند، به ویژه در ولایاتی مانند اصفهان و آذربایجان، در سلسله مراتب بالایی از نظر درآمد در جامعه قرار گرفتند. (گُرزَن، جرج ناتانیل) **ایران و مسأله ایران**، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، چاپ سوم، ابن سینا، ۱۳۴۷) از این رو، زمینه گسترده‌ای برای کمک به مکان‌ها، مراسم و آیین‌های مذهبی فراهم شد.

3- مستوفی موقوفات

- مستوفی موقوفات بر دفترخانه‌ی موقوفات ریاست دارد. در این دفترخانه درباره‌ی املاک موقوفه تمام جزییات مساحت، طرزکشت و دریافت‌ها و پرداخت‌های سالانه ثبت می‌شود (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲).
- دیوانی که درآمدهای حاصل از موقوفات را جمع‌آوری و حسابرسی می‌کند دفتر موقوفات نام دارد که از کلمه وقف به معنی هدیه و بخششی که به اماکن مقدس و امور خیریه می‌شود گرفته شده است؛ همه امور موقوفات زیر نظر صدر اداره می‌شود. به سخن دیگر رئیس موقوفات هم اوست، و بازرس موقوفات که معاون صدر نیز می‌باشد مستوفی نامیده می‌شود، و از سوی شاه انتخاب می‌گردد. وی در غیاب صدر کلیه وظایف او را انجام می‌دهد، و من شاهد بودم که در اواخر سلطنت شاه عباس ثانی مستوفی وظیفه صدر را انجام می‌داد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۴۲).

4- دفتر موقوفات

- این دفتر همانند دیوان محاسبات کل کشور دارای دو اداره جداگانه می‌باشد. وظیفه یکی از آن دو اداره رسیدگی به کلیه امور خاصه یا موقوفات سلطنتی، و وظیفه اداره دیگر رسیدگی به امور موقوفاتی است که اشخاص یا مؤسسات دیگر وقف کرده‌اند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۴۳).
- طرز استفاده از درآمد موقوفات دو گونه است. یا به صورت مستمری ست که موقتی است و متصدیان مربوط تحت شرایط و ضوابطی می‌توانند آن را قطع کنند و دیگری مادام العمر می‌باشد و مصارف آنها از عواید اراضی و املاک تأمین می‌گردد.

5- وزیر موقوفات

- معمولاً پادشاهان صفوی ایران پس از مرگ صدر وزیر موقوفات را به کفایت آن کار می‌گمارند که بدین تربیت بتوانند تا می‌شود عواید این شغل بلا متصدی را شخصا تملک کنند و ضمناً مردی هم باشد که کارها را اداره کند (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۲۲).
- کمپفر از مقامی به نام وزیر موقوفات سخن می‌گوید که در صورت فوت صدر، سمت وی را عهده‌دار می‌گردید. و شاردن از مستوفی موقوفات که نیابت و دستیار صدور بوده و در صورت غیبت، وظایف آنان را انجام می‌داد نام می‌برد ... شاردن می‌نویسد: «دفتر موقوفات براساس همانند دایره حسابداری (یعنی دیوان) استوار شده است و دو شعبه داشت: یکی برای املاک خاصه یا موقوفات سلطنتی، و دیگری برای املاک موقوفه توسط کسان دیگر» (مینورسکی، ۱۳۳۴، ۹۹ و ۱۴۸).

6- درآمد موقوفات

- موقوفات زیر نظر صدر اداره می‌شد و از آنجایی که مقام صدر نوعی مقام روحانی - سیاسی بود، می‌توان گفت که مساله وقف ارتباط تنگاتنگی با دستگاه روحانیت داشته است. شاه در سال (۱۶۷۰ ه ق) وظایف صدر را بین دو نفر تقسیم نمود که از آن‌ها با وی خویشاوندی نصبی دارد و دیگری دامادش بود. صدر ممالک کلیه املاکی را که در سراسر کشور از طرف اشخاص وقف امور دینی شده اداره می‌کرد. صدر خاصه اداره آن قسمت از موقوفات دینی را عهده‌دار بود که به شخص شاه مرتبط می‌شد. این دو نفر حق دارند که در منزل خود بر طبق موازین اسلامی به اختلافات مربوط به حقوق مدنی تا آخرین درجه رسیدگی کنند (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۲۲-۱۲۳).

6- مستمری

- حواله یا براتی است که به همان صورت که دیوان محاسبات سالی يك بار به افراد حقوق بگیر می‌دهد در دسترس مستمری بگیران می‌نهد. اینان در مواقع معین به دفتر موقوفات مراجعه می‌کنند و حواله یا برات خود را می‌گیرند. اما اگر مستمری‌بگیر افراد محترم و مهم باشند قبلاً نزد صدر یا معاون وی که در هر ایالت می‌باشند می‌روند، اسناد و مدارك خود را نشان می‌دهند و پس از این که اجازه صدور برات در ذیل سند مربوط نوشته شد به دفتر موقوفات می‌روند، و حواله خویش را دریافت می‌دارند. اما چنانچه دفتر موقوفات به جهاتی از مستمری بگیری ناراضی باشد همه سندهایش را می‌گیرد، و این کار به مثابه قطع مستمری است، زیرا از آن پس اسناد لازم را در دست ندارد. کسانی که مستمری خویش را از عواید زمین یا مستغلی که در دست خود آنهاست برمی‌دارند، ناچارند هر پنج سال يك بار اسناد و مدارك مربوط را به نظر متصدیان دفتر موقوفات برسانند، و از جمله ضوابط شگفت‌انگیز این که صدر، همچنین دفتر موقوفات مجاز است لدی الاقتضا اسناد و مدارك استفاده‌کنندگان موقوفات را بگیرد، و روحانیان را از آن درآمد محروم بدارد (شاردن، 1372، 4، 1343).